



## تحقیق در فلسفه کلامی معتزله

(۵)

( دنباله شماره سوم سال سوم )

**ابوالهدیل و فرقه هذیلیه**

یکی از پیشوایان معروف معتزله، که پیشوای فرقه «هذیلیه» بود، ابوالهدیل محمد بن هذیل علاف (۱۳۵-۵۲۵) است. اورابه لقب «شیخ المعتزله» خوانده‌اند<sup>۱</sup>. او در بصره نزد عثمان بن خالد طویل، که شاگرد واصل بن عطا بود، درس عقاید مکتب معتزله را خوانده بوده است. او در مکتب اعتزال دارای مقام علمی عالی شده و در استدلال و مناظره و تحقیق، بسیار توانا و در تأیید و تکمیل عقاید معتزله نیرومند بوده<sup>۲</sup>. و در رد عقاید مخالفان خود کتابها و رساله‌های زیادی نوشته است. او در این کتابها و نوشته‌های خود، نظریات تازه‌ای در مکتب اعتزال اظهار کرده که مجموع آنها، یک مکتب کلامی خاص بنام «مکتب هذیلیه» بوجود آورده و پیروان این مکتب را «فرقه هذیلیه» خوانده‌اند. فلسفه‌ی مکتب هذیلیه، در میان مکاتب خاص معتزله، بیشتر بر فلسفه مشاء، یعنی مکتب فلسفی ارسسطو، متکی بوده است، از این رو، ابوالهدیل در الهیات نظرات و عقایدی اظهار نرده که با عقاید عامیانه‌ی مسلمانان

\* - آقای یوسف فضائی، ازیز و هندگان معاصر.

و فقهاء واصحاب حديث مغایرت داشته است. حتی بعضی متكلمان معتزلی نیز با عقاید او مخالفت میکردند. فی المثل، او همهی صفات خدا را مانند حیات وقدرت عبارت از علم او میدانسته است<sup>۲</sup>. روی این مبنای مخالفانش اورا، برای داشتن عقاید و نظریات تازه و گستاخانه‌ی علمی، مورد تکفیر والحاد قراردادند. اگرچه اینگونه نظریات او با مذاق مخالفان متعصب او نامطبوع می‌آمد، ولی نظریات تازه و آزادانه‌ی او باعث بیداری و جنبش افکار و تکامل عقاید کلامی و فلسفه و علوم اسلامی گردید و اندیشه‌های علمای کلام را، در قبول و تأیید و یا استدلال برای رد عقاید او، بکار آنداخته و به بحث و تفکر و ادانته است.

**اشارت به بعضی عقاید و نظریات تازه‌ی ابوالهدیل** برای بندگان، مانند جاویدان ماندن آنها در بهشت و یا دوزخ قابل تغییر است، و خداوند پس از آن، دیگر برای جاده مخالفات و مقدرات جدید قادر نخواهد بود. ابوالهدیل برآن بوده است که اهل بهشت و دوزخ در آخرت دارای اختیار نیستند، بلکه مجبورند و در متنع بودن و معذب نشدن ناچارند، روی این اصل، آنان در لذت و تمعنج در بهشت و معذب بودنشان در دوزخ، مختار نیستند<sup>۳</sup>. او صفاتِ خدا را عین ذات او دانسته و گفته است: اگر صفات او زاید بر ذاتش باشد، مستلزم آن می‌شود که ما هم مانند مسیحیان به چند ذات قدیم قائل شویم.

عقیده ابوالهدیل درباره ماده‌المواد «اتم» که آن را «جزء لا يتجزئ» می‌خواندند، این بوده است که اجزاء لا يتجزئی، یا باصطلاح امروزی «اتمهای» به تهائی رنگ و کیفیت پذیر نیستند، نمی‌توان آنها را در حال خلوص و بساطت و عاری از ترکیب به حالت و کیفیتی متصف کرد، از این‌رو، آنها هر کدام، به تهائی، قابل مفهوم شدن و تشخیص نیست. او از این نظریه چنین نتیجه می‌گرفته است که (یعنی ثمره‌ی کلامی این عقیده چنین می‌شده است): خداوند نیز ذرات اتمی و اجزاء لا يتجزئی را، بطور منفرد، که عاری از کیفیت باشند، نمی‌تواند در کند و تشخیص دهد، زیرا قدرت خداوند بر امور محال و نشدنی تعلق نمی‌گیرد<sup>۴</sup>. ابوالهدیل و امثال او، در آن زمان، که در میان متعصبان ماده‌اندیش و اصحاب حديث، می‌زیستند که ناظر بر جنبه‌ی قشری و مسطحی امور بودند، برای اینکه از سوی آنان، که اکثریت قاطع جامعه را تشکیل می‌دادند، دچار طرد و تکفیر نشوند، به نظریات علمی و فلسفی خود، که جنبه‌ی مادی و طبیعی داشت، رنگ دینی می‌دادند و در پایان مباحث خود، مطالب رامی کشانیدند و در پیرامون الهیات ختم می‌کردند. از این‌رو، عنوان عقاید و نظریات فلسفی خود را «علم کلام» می‌خواندند، روی این مبنای متكلمان معتزلی، امثال ابوالهدیل، را باید عالم دینی و متكلم مذهبی خالص شمرد، چه آنکه آنان می‌کوشیدند مبانی و عقاید دینی را

با عقل و منطق و مسایل فلسفی هماهنگ و سازگار سازند، نه اینکه عقل و منطق و علم و فلسفه را با مبادی دینی تطبیق داده باشند.

**تألیفات ابوالهذیل** ابن فدیم تأییفات ابوالهذیل را پنجهای کتاب شمرده است، که مهتمرین آنها عبارت است از : کتاب طاعۃ لا یراد بها اللہ، کتاب علی السوفسٹائیه، کتاب علی المجنوس، کتاب علی اليهود، کتاب الوعد والوعید، کتاب الحجۃ، کتاب صفة الله بالعدل و تفسی القبیع، کتاب العجۃ علی الملحدین، کتاب علی النصاری، کتاب مسایل فی الحركات وغیرها، کتاب الرد علی القدریه والمجبره، کتاب الرد اهل الادیان، کتاب العرکات، کتاب فی خلق الشیئی عن الشیئی، کتاب الجوهر والاعراض، کتاب فی-  
الصوت ما هو و ..<sup>٦</sup>

- ١- ابوالحسن اشعری ، مقالات الاسلامیین، چاپ قاهره، ١٣٦٩ هـ. ق.. ج ١ . ص ٢١٧

٢- ابن خلکان ، وفیات الاعیان، ج ٣ . قاهره، ١٩٤٨ .. ص ٣٩٦

٣- محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ ترجمه‌ی ملل و نحل، چاپ تهران، ١٣٥٠ .. ص ٣٩

٤- محمد ابوزهرا ، الشافعی و حیاته، چاپ قاهره، ١٣٦٧ هـ. ق.. ص ١٢٥

٥- عبدالقاهر بندادی ، الفرق بین الفرق، چاپ قاهره، ١٣٦٧ هـ. ق.. ص ٧٦

٦- محمد بن اسحاق الندمی ، ترجمه‌ی الفهرست، چاپ دوم تهران، ص ٩٦

بقیه از صفحه ۶۹ جمال الدین عیدالرزاق

- ٢٨ - دیوان جمال الدین عبدالرزاقدص ٢١١ - کلام جامع = الموعظة والحكمة والشكوى ويکی از بلاغت آنست که شاعر شعر آراسته گرداند به حکمت و موعظه و شکایت روزگار و آنجه بوي ماند / ١٣١٥ ترجمان البلاғه و مقایسه شود با ص ٨١ حدائق السحر فی دقائق الشعر

٢٩ - دیوان جمال الدین عبدالرزاقدص ١٥١ - ٣٠ - دیوان جمال الدین عبدالرزاقدص ٣٢ - ٣٤ - ٥٧ ص ٥٧ - ٣٢ - ٥ - ٥ - ٣١ - ٣٣ - ٢٧٨

٣٥ - دیوان سید حسن غربنیزی (وفات بین سالهای ٥٥٥ و ٥٥٧)،

چو ساخت در دل نگم چنین مکان آتش  
نیافت جای مگر در همه جهان آتش  
(ذیوان سید حسن ص ۱۰۰ تا ۱۰۳)

۳۶ - دیوان رشدالدین وطوطاط ص ۲۸۳ تا ۲۸۷ فصیده او بهمطلع،  
زهی فروخته حسن تو درجهان آتش زده منا غم تو درمیان جان آتش

٣٧ - ديوان جمال الدين عبدالرزاق ص ٥

٣٤ ص ٣٨

٣٩ - ص ٨٠